



«قمه زنی» یک خلاف شرع قطعی بود و هست

رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: به نظر ما قمه زنی یک خلاف شرع قطعی بود و هست.

نصر: رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: به نظر ما قمه زنی یک خلاف شرع قطعی بود و هست.

به گزارش نصر؛ حضرت آیت الله خامنه ای در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۸۳ در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری بیاناتی را ایراد فرمودند.

مشروح سخنان مقام معظم رهبری در این دیدار به شرح زیر است.

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوش آمد عرض می کنیم به آقایان محترم و خدای متعال را شکر می کنیم که توفیق داد این مجلس معظم و مهم در نوبتی دیگر اجتماع خود را تشکیل دهد و اعضای آن درباره مسائل مورد اهتمام خودشان بحث کنند. از بیانات نصیحت آمیز و بسیار مهم جناب آقای مشکینی (دامت برکاته) و گزارشی هم که جناب آقای امینی ارائه فرمودند، تشکر میکنیم.

همان طور که حضرت آیه الله مشکینی اشاره کردند، این جلسه حقیقتاً یک جلسه استثنایی است؛ هم به خاطر ترکیب این مجموعه که علما و بزرگان دین و بسیاری از مسئولان بخشهای مختلف و بعضی مسئولان بالای کشور در آن مجتمع اند، و هم به خاطر این که این مجموعه با این خصوصیات را مردم انتخاب کرده اند؛ این نکته خیلی مهمی است. مردم با رأی خود، شما را در این مجموعه برای یک مقصد و مسئولیت بسیار مهم - که هیچ مرکزی در کشور بدیل این مجموعه برای آن مسئولیت نیست - گرد آورده اند؛ و آن عبارت است از تعیین رهبری نظام و مراقبت از صحت مسیر رهبری در طول زمان. با این ایده و این انگیزه، مردم این مجموعه را که مورد اعتمادشان قرار گرفته است، انتخاب کرده اند؛ لذا این مجلس، هم از جهت منتخب مردم بودن و هم از جهت حائز بودن بسیاری از خصوصیات بالا و والا، یک مجلس استثنایی است.

راجع به دو سه نکته ای که حضرت آقای امینی در بیاناتشان اشاره فرمودند - که من بیانیه پایانی اجلاس را هم که ملاحظه کردم، دیدم همین نکات در آن به نحو اشاره و کوتاه مندرج است - جمله کوتاه و گذرایی عرض کنم.

راجع به مسأله پیشگیری از حوادث، اشکال بر متصدیان این کار وارد است. البته نمی شود گناه زلزله و برف و سیل را به گردن کسی گذاشت؛ اما می شود از مسئولان توقع داشت که تدبیر امر را به نحوی بکنند که خسارت این حوادث هرچه کمتر و خفیف تر شود و کار جبرانی و علاج در برابر این حوادث هم آسان گردد. فکریایی شده است، سفارش هایی شده است، گردهماییهایی برای همین منظور برپا شده است؛ ولی باید سرعت عمل بیشتر از این باشد. البته در زمینه بافت های فرسوده و آسیب پذیر کارهایی را شروع کرده اند؛ این بافت ها هم در ظرف ده سال و پانزده سال به وجود نیامده؛ متأسفانه اینها کیفیت ساخت وساز بومی و سنتی ماست. خوشبختانه الان راه دسترسی نسبت به سابق خوب تر و آسان تر است؛ هم فرودگاه هست، هم راه های زمینی هست - که این هم از برکات انقلاب و زحمات مسئولان است - درعین حال ما هم این ایراد را داشتیم و داریم و تذکر داده ایم و باز هم تذکر خواهیم داد و تأکید خواهیم کرد.

مسأله عزاداری ها هم که اشاره کردند، مطلب بسیار مهمی است و تا حدود زیادی متوجه به خود ماست. شکی نیست که در مواردی در عزاداری ها حرف های غیرواقعی و غلط و خرافاتی گفته می شود؛ لیکن اگر فرض می کردیم هیچ حرف غلطی هم به آن معنا بیان نشود، اما وقتی حرف صحیح ولی سست و بدون استناد به یک مدرک درست گفته شود، یا حرفی که ایمان مردم را متزلزل کند و در باور مخاطبان ننگجد، گفته شود، این هم مضر است. امروز ما این همه در کشور مسأله داریم. یک منبر تبلیغاتی بسیار مهم عبارت است از همین جلسات حسینی و حسینیه ها و سینه زنیها و دستجات مذهبی. از این منبر، والاترین معارف و فوریتترین و لازم ترین مطالب را می شود بیان کرد؛ اما اگر ما این را به چیزهای موهوم یا موهون مصروف کنیم، به هیچ وجه مصلحت نیست.

حرف، حرف درستی است؛ حرف امروز هم نیست؛ حرف همیشگی ماست؛ منتها یک نکته در این جا وجود دارد که باید به آن توجه شود. شنیده ایم و در مواردی دیده ایم که کسانی به این عیب، بلکه به این خطر توجه کرده و آن را بیان کرده اند. طبعاً ذهنهای بعضی کنشش ندارد این معنا را درک کند؛ در مقام عمل هم به این کار عادت کرده اند؛ این خیلی مهم نیست؛ این قابل اثرگذاری است؛ اما ناگهان از نقطه ای از دل روحانیت و از مراکز معتبر روحانیت ندای تأییدی از آن کار غلط بلند شده؛ این را علاج کنید؛ والا بیان کردن، توجیه کردن و تشریح زدن دشوار نیست.

این طور نباشد که وقتی مطلب حقی در مرکزی گفته می شود و مسئول و روحانی روشنفکر و آگاهی آن را بیان می کند، ناگهان با این توهّم یا با این وسوسه که اصل عزاداری امام حسین زیر سؤال برده شد، جریان درست شود؛ کمالین که ما دیدیم در قضیه قمه زنی همین طور شد. به نظر ما قمه زنی یک خلاف شرع قطعی بود و هست؛ این را ما اعلام کردیم و بزرگانی هم حمایت کردند؛ اما بعد دیدیم از گوشه و کنار کسانی در جهت عکس این عمل می کنند! اگر قمه زنی اشکال هم نداشته باشد و حرام هم نباشد، واجب که نیست؛ چرا در جاهایی برای این چیزهای بعضاً خرافاتی انگیزه وجود دارد؟ آنهایی هم که جنبه خرافی محض ندارد، لاقلاً این مقدار هست که در دنیای امروز، در ارتباطات امروز، در فرهنگ رایج جهانی امروز، در عقلانیاتی که امروز در داخل خانه های ما و بین جوانان و دختران و پسران ما رایج است، عکس العمل نامناسب ایجاد خواهد کرد. اینها از بیّنات شرع نیست که ما بگوییم چه دنیا بیسند، چه نپسند، ما باید اینها را بگوییم؛ حداقل اینها چیزهای مشکوکّ فیه است. برای این موضوع فکری بکنید و کاری انجام دهید. این هم با اشاره ای که شما در بیانیه اجلاس کردید، به دست نمی آید.

من در جلسه اجلاس قبل هم عرض کردم که شما درباره این گونه موضوع ها قطعنامه صادر کنید. مجلس خبرگان یک مجلس معتبر و باعظمت است؛ این همه شخصیت در این مجلس جمع شده اند؛ درباره موضوعی که به نظرتان مهم می آید، قطعنامه صادر کنید تا پخش شود؛ لاقلاً مردم ایران بدانند که نظر شما نسبت به فلان مسأله این است؛ گیرم بعضی عمل نکنند یا نکنند. این نکته را ما در جلسه قبل گفتیم، آقایان هم استقبال کردند؛ اما در این اجلاس هم به آن عمل نشد!

البته مسأله چهارشنبه سوری یک مسأله دیگر است و برخورد دیگری را می طلبد؛ لیکن درباره این دو مسأله روشن و واضح - یکی بلایای طبیعی و لزوم رسیدگی و امداد و پیشگیری مسئولان؛ به طوریکه تلفات انسانی و خسارت های مالی آن کم شود، و دیگری مسأله عزاداری ها - می توانید قطعنامه صادر کنید و این را از رهبری بخواهید - اشکالی ندارد - از مسؤولان بخواهید. مسأله عزاداری ها از موضوعات کاملاً متناسب با شماست؛ زیرا این مسأله را امضاء کنید و نشان دهید که نسبت به این قضیه نظر و اهتمام دارید و می خواهید این کار صورت بگیرد.

چند جمله ای هم راجع به مسائل جاری عرض کنم. البته همان طور که به من اطلاع داده شد، آقایان هم در نطق های پیش از دستور خود بحمدالله به مسائل جاری توجه کرده اند. امروز مسأله اساسی کشور، چالش انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است با دشمنانی که از نحوه برخورد آنها می شود فهمید که سراسیمه اند. این را عرض بکنیم که برخورد تبلیغاتی و سیاسی امروز آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی ایران - که لحن آن تند و همراه با پرخشگری است - نشانه ی قدرت دشمن نیست؛ نشانه ی ناتوانی دشمن از برخورد با شجره طیبه ای است که ریشه دوانده و تنه برافراشته و شاخ و برگ پیدا کرده است. علت اساسی هم این است که در دنیای مادی و در نظام بین المللی مبتنی بر بیخدایی و ماده گرایی، اگر یک واحد خدایی و متکی بر مبانی توحیدی حضور پیدا کرد، اینها با هم ناهمخوانی خواهند داشت؛ این چیز قهری و طبیعی است؛ مثل این است که با مهندسی و سلیقه خاصی منطقه ای را خطکشی کنند، ولی کسی که مثلاً سوار تراکتوری است و این خطکشی را قبول ندارد و دارد در جایی دیگر به آن شکلی که صحیح می داند، حرکت می کند، خطکشی های اینها را به هم بزند و محاسبات اینها را به هم بریزد.

دعوا بر سر اسلام است؛ بر سر اشخاص و نوع نظام حکومتی و مردم سالاری نیست؛ والا امروز غرب میدانند که در این منطقه یکی از مردمترین نظام ها، نظام جمهوری اسلامی است؛ این قابل انکار نیست. نظام جمهوری اسلامی که از صدر تا ذیل، همه کارهایش متکی و مستند به آراء مردم است، شخصیت های اثرگذار درجه ی اولش منتخبان مردمند و حضور و حمایت و عواطف مردم پشتوانه اساسی آن است، از لحاظ برخی از ابعاد مردمی بودن، در دنیا - نه فقط در منطقه - بی نظیر است. حتی اغلب دموکراسی های رایج دنیا هم این طور حمایت مردمی و انبوه دلها را پشت سر خودشان ندارند، ولی ما بحمدالله داریم؛ این را دشمن هم دارد میبیند. بنابراین مسأله این است که وقتی تفکر اسلامی و پایه اسلامی به مرحله عمل رسید و بنا شد نظام حکومتی تشکیل دهد، این با خطکشی ها و محاسبات رایج نظم مادی جهان ناسازگاری خواهد داشت؛ این چیز قهری و طبیعی است. هر قدر هم ما ظواهر سیاسی را درست کنیم و تنش زدایی و امثال آن را مطرح کنیم، مشکل اساسی آنها را از بین نمی برد.

این را هم می دانند که این نظم نوین اسلامی منحصر به یک کشور نخواهد ماند؛ چون جامعه ی اسلامی یک جامعه بزرگ است. الان تقریباً یک و نیم میلیارد نفر جمعیت مسلمانان است و ده ها کشور اسلامی وجود دارد؛ همه اینها در اصول و مبانی با جمهوری اسلامی مشترکند. اهواء و عواطف ملتها طرفدار جمهوری اسلامی است - اینها را می دانند - و می دانند که اگر این نظام توانست خود را از زیر بار مشکلات خلاص کند و سر بکشد و صدای خودش را به دنیا برساند، آن وقت این الگو در نقاط دیگری از جهان هم - که برای آنها بسیار مهم است - تأثیراتی برخلاف میل آنها خواهد گذاشت.

در واقع عصیانیت آنها از اسلام و نظم اسلامی و حرکت اسلامی است. شما ملاحظه کنید؛ در ده، پانزده سال اخیر ما شاهدیم که برنامه هایی در کشور به وسیله دولتها انجام گرفت؛ برنامه های خوبی هم بود. عناوین مورد مطالبه و اهتمام دولتها چیزهایی است که در عرف جهانی هم برای پیشرفت یک کشور مطرح است؛ مثل دانش، فناوری، توسعه، برنامه های پنج ساله، سرمایه گذاری خارجی، تنش زدایی؛ حرف هایی که ما در این سالها بر زبان آورده ایم و همه هم گفته اند؛ یعنی مخصوص بخشی از مجموعه نظام نیست؛ از رهبری تا دولتها و مسؤولان، اینها را مکرر بیان کرده اند؛ این نشان دهنده ی این است که نظام جمهوری اسلامی در قالب این سرفصل ها به سمت توسعه پیش می رود. این پیشرفت ها طبعاً برای طراحان و سیاستگذاران و راهبردها سیاست های بین المللی و جهانی و استعماری تا حدودی امیدزاست. آنها فکر می کنند که نظام جمهوری اسلامی هم بالاخره در همان خط توسعه متعارف و معمول مطرح و طراحی شده از سوی خود آنها وارد شده. مثلاً وقتی مسأله تجارت جهانی و ورود به بازارهای جهانی مطرح می شود، این امید در آنها به وجود می آید که شاید بناست نظام اسلامی هم بتدریج در نظام بین المللی مادی حل شود؛ که اگر چنین اتفاقی بیفتد، همه محاسباتش در اختیار آنهاست. فرض بفرمایید اگر کشوری وارد سازمان تجارت جهانی شد، دست غالب و قوی در سازمان تجارت جهانی مال آنهاست؛ سیاستگذاری مال آنهاست، انتفاع بیشتر متعلق به آنهاست؛ حالا گیرم سودی هم گیر فلان کشور یا دولت بیاید؛ اما آنها هستند که محاسبه می کنند. در زمینه سیاست های گوناگون جهانی هم همین طور است؛ گویا بتدریج این امید در آنها به وجود آمده بود.

البته بعضی از اظهارات داخلی هم این امید را در آنها تقویت میکرد؛ چه در زمینه های فرهنگی، چه در زمینه های سیاسی، چه در زمینه های اقتصادی. این که نظام اسلامی به عنوان یک معترض، و به قول خود حضرات، به عنوان اپوزیسیون نظام جهانی، در نقطه یی از دنیا - که خیلی هم حساس است - ظاهر شده بود، در واقع این را کمزنگ می کرد. ناگهان سند چشم انداز بیست ساله به عنوان سیاست های نظام و مطالبات و سیاست های رهبری مطرح می شود؛ آن وقت در پیشانی این چشم انداز، این طوری می آید که «ایران کشوری است توسعه یافته»، تا می رسد به این جا: «با هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام». معلوم می شود خواب آشفته ای که در دل آنها امید به وجود آورده بود، خواب بیتعبیری است. یعنی همه برنامه های پنج ساله ای که از سال 1384 شروع خواهد شد و بر اساس سند چشم انداز بیست ساله خواهد بود، باید در این خط و در این جهت باشد؛ همه باید اسلام انقلابی و ایران اسلامی را به معنای واقعی کلمه دنبال کنند و در جهان اسلام الهام بخش باشند.

ما مایل نیستیم در دنیای اسلام منزوی باشیم، و منزوی هم نیستیم و نخواهیم شد. انزوا به معنای دیپلماتیک و رایج آن در دنیا، آن چنان مضر نیست که انزوا از ملتها مضر است. امروز آمریکا به حسب ظاهر منزوی نیست؛ حضور سیاسی و حتی حضور نظامی او در همه جای این منطقه محسوس است؛ اما در حقیقت منزوی است؛ چرا؟ چون ملتها که تعیین کننده و تصمیم گیرنده اند، همه از حضور آمریکا و سیاستهای آمریکا متنفر و بیزارند؛ این انزوا مضر است. جمهوری اسلامی در دنیای اسلام این انزوا را ندارد.

شما الان هر جای دنیای اسلام بروید، خواهید دید که مردم دلهایشان برای جمهوری اسلامی می تپد؛ این واقعیت است. سفر اخیر رئیس جمهور محترم ما به بوسنی، یک نمونه است. مگر ما با بوسنی چقدر ارتباط مردمی داریم؟ مگر مردم بوسنی چقدر به این جا آمده اند؟ بعد از قرارداد دیتون و خاتمه ی جنگ های بالکان، آن همه علیه ایران در آن جا تبلیغات و فعالیت شده بود؛ عوامل جمهوری اسلامی را از آن جا بیرون کردند، به آنها توهین کردند، در تبلیغاتشان آنها را متهم کردند و همه چیز راجع به آنها گفتند؛ درعین حال مردم بوسنی از رئیس جمهور ما آن گونه استقبال کردند. ایشان می گفتند در برف سنگین سارایوو - که شاید تا نزدیک زانوی انسان برف باریده بود - مردم در خیابانهای شهر اجتماع تراکمی کرده بودند تا رئیس جمهوری اسلامی ایران را ببینند. ایشان می گفتند به کتابخانه غازی خسروبیگ رفتیم - که بنده هم زمان ریاست جمهوری به آن جا رفته بودم - تقریباً 45 دقیقه بازدید ما طول کشید؛ اما وقتی برگشتیم، دیدیم مردم هنوز آن جا ایستاده اند. در مسجد آن جا مردم اجتماع تراکمی کرده بودند و برای خوش آمدگویی به رئیس جمهوری اسلامی ایران، به زبان فارسی سرود میخواندند! این استقبال مربوط به اشخاص نیست.

من از سفر الجزایر برگشته بودم و منظره یی را که در آن کشور دیده بودم، برای امام تشریح کردم و گفتم این استقبال مربوط به شخص من نبود؛ تکریم شما بود. الان هم نه شخص من، نه شخص آقای خاتمی، نه هیچکدام از مسؤولان

کشور که به دیگر کشورها می‌روند و این‌گونه مورد استقبال قرار می‌گیرند، مورد نظر نیستند؛ مردم اشخاص ماها را نمی‌شناسند؛ شاید اسم ما را بدانند، اما انقلاب و امام را می‌شناسند؛ همان شخصیتی که مثل خورشید در آسمان دنیای اسلام می‌درخشید و همه - چه دشمن‌ها می‌خواستند، چه نمی‌خواستند - آن را لمس میکردند. الان هم نمودار و برگه‌پی از آن شخصیت ممتاز را مشاهده میکنند. شما هرچا بروید، وضعیت همین‌گونه است.

یکی از مسئولان ما - یادم نیست آقای رئیس‌جمهور بود یا کس دیگری - به یکی از کشورهای عربی رفته بود و از او استقبال خوبی کرده بودند. من گفتم شما به هر کدام از کشورهای عربی بروید، قضیه همین است؛ اگر به مصر بروید، اجتماع مردم از همه جا بیشتر خواهد بود؛ به سودان بروید، همین‌طور است، به دیگر کشورها بروید، همین‌طور است؛ البته مشروط بر این که دولت‌ها مانع نشوند.

امروز در سرتاسر دنیای اسلام، جمهوری اسلامی مطرح است؛ علت هم این است که بر سر حرف و شعار اصلی خود - که اسلام است - ایستاده است. آمریکایی‌ها وقتی سند چشم‌انداز منتشر می‌شود و می‌بینند چشم‌انداز بیست ساله عبارت است از پدید آمدن یک کشور پیشرفته طراز اول در منطقه از لحاظ فناوری و دانش، با جهتگیری و باطن و روح اسلامی و انقلابی و اثرگذار و الهام‌بخش در دنیای اسلام، درصدد مقابله برمی‌آیند البته اینها نمی‌توانند با اسلام مقابله کنند.

دیدم که آقایان خبرگان در نطق‌های پیش از دستور، راجع به خاورمیانه بزرگ هم صحبت‌های درست و خوبی کرده بودند. مسأله خاورمیانه بزرگی یک آرزوی آمریکایی است. خاورمیانه بزرگی که آنها می‌گویند، یعنی کشوری بزرگ در خاورمیانه به مرکزیت اسرائیل. البته منظور آنها این نیست که یک دولت واحد تشکیل شود؛ نه، همین دولت‌هایی که در مرزهای جغرافیایی کنونی قرار دارند، باشند؛ منتها دولت‌هایی که توی مشیت آمریکایی‌ها باشند؛ مردم بظاهر آنها را انتخاب کرده باشند، اما آمریکایی‌ها خواسته باشند؛ همان‌طور که در ماه‌های اخیر در اوکراین و گرجستان اتفاق افتاد.

آنها می‌خواهند اسرائیل در این منطقه ی‌پُر بهره و پُر از سرمایه‌های طبیعی، بشود یک مرکز برجسته؛ نماینده و پایگاه تمدن مادی غرب دست و پایش را در این کشورها باز کند؛ از کارگر ارزان آنها استفاده کند، از پول‌های آنها استفاده کند، اقتصاد خودش را گسترش دهد، کشاورزی خودش را توسعه دهد و در واقع خودش را تغذیه کند؛ مثل درختی که ریشه اش وارد خانه همسایه میشود و از آن‌جا تغذیه میکند، که در واقع میوه درخت مال صاحب آن خانه است.

طرح از نیل تا فراتی که یک وقت اعلام کردند میخواهند با سرپیچ قدرت نظامی آن را به دست بیاورند، در واقع الان می‌خواهند با سرپیچ قدرت سیاسی و اقتصادی آن را به دست بیاورند. البته قطعاً به این هدف نخواهند رسید؛ نه آمریکایی‌ها و نه صهیونیست‌ها و غاصبان فلسطین.

ملت‌ها بیدارند. ما باید بیدار باشیم. جمهوری اسلامی باید بیدار باشد. بیداری ما یک شعار نیست؛ باید حواسمان جمع باشد. در تعیین دولت‌ها، در انتخاب رئیس‌جمهور - که تا زمان برگزاری انتخابات، چند صباح دیگر بیشتر باقی نمانده - و در گزینش کسانی که در صحنه‌ی سیاسی کشور بناست فعالیت کنند، باید حواسمان جمع باشد. هر یک از اشخاص و شخصیت‌ها و مسؤولانی که در رأس یک مجموعه کاری قرار دارند، تعیین‌کننده‌اند؛ هم ایمان آنها، هم عزم و اراده آنها، و هم کاردانی و کفایت آنها تعیین‌کننده است. فرض بفرمایید اگر راجع به فلان مسأله فرهنگی ایراد دارید، یا اگر به فلان مسأله فنی کشور ایراد دارید، همه‌ی اینها برمی‌گردد به مدیریت‌های گوناگون؛ نه فقط مدیریت در رأس و بالا؛ نه، گاهی مدیریت بالا خوب است، منتها مدیریت‌های متوسط و میانی - که اشراف و نظارت مسئولان عالی‌رتبه بر کار آنها لازم است - گاهی نمی‌گذارند کار به نتیجه مطلوب برسد بنابراین، این گزینش‌ها تعیین‌کننده است. در این زمینه‌ها باید با احساس مسئولیت و ملاحظه جوانب و با چشم باز و بصیرت کامل وارد شد.

در رأس کار باید کسانی قرار بگیرند که ایمانشان به اسلام و انقلاب و ارزشهای اسلامی و انقلابی در حد کافی باشد؛ در ارزش‌های اسلام تردید نداشته باشند و توان و نشاط و قدرت تحرک و پیگیری‌شان متناسب با این همه کاری باشد که جمهوری اسلامی دارد، تا ان شاءالله کشور جلو برود.

این کارها، کارهای چند نسلی است. مقاصد و نتایجی که مورد نظر ماست، انتظار نداریم حتماً در زمان کوتاهی تحقق پیدا کند؛ لیکن توقع داریم که تحرکی به وجود بیاید و احساس پیشرفت بشود. انسان یک راه را در ظرف یک ساعت طی می‌کند، یک راه را در ظرف بیست و چهار ساعت طی می‌کند؛ اما آن راهی هم که در بیست و چهار ساعت باید طی شود، انسان باید ساعت اول احساس کند که به قدر یک ساعت پیش رفته است. ما در همه زمینه‌ها احساس حرکت و پیشرفت را توقع داریم؛ هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های فرهنگی، هم در زمینه‌های ارزشی، هم در زمینه

های علمی، هم در زمینه پیشرفت علم و عمق علمی و دریدن حجاب علمیی که مانع می شود از این که کشورهای از قبیل کشور ما به نقاط اصلی علمی و شکستن مرزهای دانش و پیش رفتن، دسترسی پیدا کنند؛ که خوشبختانه در زمینه اخیر، کشور ما از جهت خوب بودن، جزو کشورهای استثنایی است. استعدادها، خوب؛ تواناییها، خوب؛ قدرت ابتکار علمی و فنی، خوب؛ ما می توانیم در این زمینه ها پیشرفت کنیم، که پیشرفت هم کرده ایم و یک نمونه اش مسأله انرژی هسته ای است.

باید از خدای متعال بخواهیم به ما توفیق دهد. قدر این مجلس محترم و قدر این تجمع بسیار باارزش را بدانید و - همان طور که حضرت آقای مشکینی اشاره فرمودند - فراخور تکلیف و توقعی که از این مجلس هست، تصمیم های با جرأت بگیرید. شما یک مجموعه هستید؛ در هر زمینه، آن چیزی که به نظرتان می آید، با جرأت تصمیم بگیرید و اعلام کنید. من عرض کردم، باز هم تأکید می کنم؛ اعلام کنید نظر ما این است. صدور این گونه بیانیه ها، بسیار خوب و لازم است. بیانیه های قبلی شما غالباً خوب بوده است؛ امسال هم بیانیه متین و خوش مضمون و خوش عبارتی صادر شده بود؛ منتها صدور بیانیه پایانی اجلاس غیر از این است که مطالبه ی مشخصی روی موضوع خاصی از طرف شما صورت بگیرد تا مردم بدانند مجلس خبرگان این را می خواهد. از هر کسی که فکر می کنید لازم است بخواهید - از رئیس جمهور، از رهبری، از مجلس، از قوه قضاییه - دچار رودربایستی و ملاحظات نشوید؛ آنچه را که عقیده شماست، قاطع و روشن مطرح کنید و بخواهید.

دبیرخانه هم می تواند برای اجلاس آینده در طول زمان مواردی را با نظرخواهی از خود آقایان آماده کند تا در آن اجلاس مورد اهتمام قرار بگیرد. کار دبیرخانه ای منظم و خوب می تواند خیلی تأثیر داشته باشد.

این مجلس، متکی به آراء مردم است؛ مجلس کوچکی نیست. البته خدای متعال باید همه ما را دستگیری و هدایت و کمک و شاکر نعمت های خودش کند و این شکر را زمینه رحمت و مزید نعمت خودش قرار دهد. همه ما به ادعیه زاکیه حضرت بقیة اللّٰه (ارواحنا فداه) محتاجیم. امیدواریم ان شاء اللّٰه مشمول دعا و نظر عطوفت آمیز آن بزرگوار باشیم و ان شاء اللّٰه روزبه روز کار ما و پیشرفت ما بهتر شود.

والسّلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته